

## **Typology and the pathology of the performance of welfare institutions in the field of labor children (with emphasis on political considerations)**

**Maryam Davoodi**, Assistant Professor of University of Farhangian, Tehran, Iran. [maryam.davoodi62@gmail.com](mailto:maryam.davoodi62@gmail.com)

**Sattar Parvin**, Associate Professor of Sociology Social Issues Faculty of Social Sciences, University of Allameh Tabataba'i, Tehran, Iran. (Corresponding Author) [sparvin1359@gmail.com](mailto:sparvin1359@gmail.com)

### **Abstract:**

The aim of this article is to study welfare institutions related to labor children. Children as the most important element of any society need legal and institutional protection. The research method is content analysis. The data has been collected through interviews with experts related to the field of child labor. The results show that welfare institutions related to child labor can be divided into Governmental, public, third sector, international and natural welfare institutions. Finally, these welfare institutions face with challenges such as Weakness and non-cooperation of ministries and institutions, Negative effects of collection projects, Existence of imperfect pilot projects, lack of sufficient equipment, using of coercive power, Lack of feeling of security, children, absence of a national authority, etc.

### **Keywords**

Child, Labor Children, Welfare Institutions, Policy Considerations, Functional-Structure Theory.



# سنخ‌شناسی و آسیب‌شناسی عملکردی مؤسسات رفاهی در حوزه کودکان کار

(با تأکید بر ملاحظات سیاستی)

مریم داودی<sup>۱</sup>، ستار پروین<sup>۲</sup>

## چکیده

هدف پژوهش حاضر مطالعه نهادهای و مؤسسات رفاهی مرتبط با کار کودکان است. کودکان به عنوان مهم‌ترین رکن هر جامعه نیازمند حمایت قانونی و نهادی هستند. روش پژوهش، تحلیل محتوا می‌باشد که داده‌های پژوهش طریق مصاحبه با کارشناسان مرتبط با حوزه کار کودک موجود جمع‌آوری شده است. نتایج نشان می‌دهد نهادها و مؤسسات رفاهی مرتبط با کار کودک را می‌توان به دولتی، عمومی، بخش سوم، بین‌المللی و طبیعی تقسیم‌بندی کرد که با چالش‌هایی مانند ضعف و عدم همکاری وزارتخانه‌ها و مؤسسات، اثرات منفی طرح‌های جمع‌آوری، وجود طرح‌های پایلوت بی‌فرجام، کمبود نبود تجهیزات کافی، مواجهه با کودکان کار و خیابان به واسطه قوه قهریه، عدم احساس امنیت کودکان، نبود یک مرجع ملی و... مواجه‌اند.

## واژگان کلیدی

کودک، کار کودک، مؤسسات رفاهی، ملاحظات سیاستی، نظریه کارکردگرایی-ساختی

کودکان امروزه یکی از مهم‌ترین گروه‌های هر جامعه‌ای هستند که بالندگی حیات جوامع انسانی به آن‌ها وابسته است. آنان آینده‌سازان هر جامعه‌ای هستند، رشد سالم آن‌ها می‌تواند تضمین‌کننده نمو جوامع باشد بنابراین برنامه‌ریزی برای آن‌ها یکی از ضروریات اساسی برنامه‌ریزی‌های اجتماعی هست. کودکان در شهر تهران با مسائل مختلفی مواجه‌اند از جمله این مسائل می‌توان: به کودکانی اشاره کرد که در سطح شهر تهران بنا به دلایل مختلف درگیر در اقتصاد غیررسمی شهر هستند، از این افراد می‌توان با عنوان کودکان کار و خیابان یاد کرد. سازمان جهانی کار<sup>۱</sup> (۲۰۱۷) در یک مطالعه طولی بین سال‌های ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۶ میلادی آمارهای جهانی زیر را در ارتباط با کار کودک ارائه کرد است:

- در سراسر جهان ۲۱۸ میلیون کودک بین سنین ۵ تا ۱۷ سال مشغول به کار هستند؛
- در بین این افراد ۱۵۲ میلیون قربانیان کار کودک‌اند، تقریباً نیمی از آنان یعنی حدود ۷۳ میلیون کودک در کار خطرناک مشغول‌اند؛
- تقریباً نیمی از جمعیت فوق حدوداً ۷۲/۱ میلیون در آفریقا، ۶۲/۱ میلیون در آسیا و اقیانوسیه، ۱۰/۷ میلیون در قاره آمریکا، ۱/۲ میلیون در کشورهای عربی و ۵/۵ میلیون در اروپا و آسیای مرکزی قرار دارند؛
- تقریباً نیمی از ۱۵۲ میلیون کودکان قربانی کار کودک بین سنین ۵ تا ۱۱ ساله هستند، ۴۲ میلیون یعنی حدود ۲۸ درصد بین ۱۲ تا ۱۴ سال و ۳۷ میلیون یعنی ۲۴ درصد بین ۱۵ تا ۱۷ سال هستند؛
- کار [خطرناک] کودک بین کودکانی که ۱۵ تا ۱۷ سال دارند بیشتر شیوع دارد؛
- در بین ۱۵۲ میلیون کار [خطرناک] کودک ۸۸ میلیون پسر و ۶۴ میلیون دختر هستند؛
- کار کودک بیشتر با ۷۱ درصد در بخش کشاورزی قرار دارد. همچنین ۱۷ درصد کودکان در بخش خدمات و ۱۲ درصد در بخش صنعتی مشغول به کار هستند. این آمارها نشان از مواجهه جدی جامعه جهانی و به‌ویژه کشورهای درحال توسعه با پدیده کار کودکان دارد. به‌این‌ترتیب کار کودکان در خیابان، در پایتخت‌ها و بسیاری از شهرهای بزرگ جهان، به‌ویژه کشورهای درحال توسعه، مشکلی جدی است. درعین حال برآورد دقیقی از تعداد کودکان خیابانی دشوار است و تفاوت در چگونگی تعریف و

## سنخ‌شناسی و آسیب‌شناسی عملکردی مؤسسات رفاهی در حوزه کودکان کار

طبقه‌بندی از کودکانی که در خیابان به سر می‌برند و تمایل به بزرگنمایی در تعداد کودکان خیابانی، به‌منظور جلب حمایت‌های سازمانی، به آمارهای بسیار متفاوتی منجر شده است (Thomas, 2011:1).

اهمیت کودکان کار از آنجا در شهری چون تهران مضاعف می‌شود که ما امروزه با خیل عظیمی از کودکان کار در سطح شهر مواجه هستیم. چهارراه‌ها و پشت چراغ‌های قرمز، کنار سطل‌های زباله، متروها و اتوبوس‌های شهری و بسیاری از مناطق حاشیه‌ای شهر تهران همگی به پاتوق کودکان کار تبدیل شده است که در حوزه‌های مختلف مشغول به کار هستند، به‌طوری‌که این مناظر به بخش آشنایی از زندگی روزمره همه شهروندان تهرانی تبدیل شده‌اند. موج‌های تحریم اقتصادی و به‌تبع آن بحران‌های اقتصادی در کشور، فروپاشی ساختار اقتصادی بسیاری از خانوارها، موج بالای طلاق و فروپاشی خانواده، آمار بسیار بالای اعتیاد حتی در میان مادران این کودکان، نرخ بسیار بالای اجاره خانه‌ها و هجوم فقرا از سرتاسر کشور به سمت حاشیه‌های شهر تهران همگی منجر به افزایش پدیده کودکان کار شده است.

با وجود مداخلات متعدد از سوی سازمان‌های دولتی و غیردولتی هنوز نمود این معضل در خیابان‌های شهر تهران عیان است. نتایج پژوهش شالچی و میرزا بابایی (۱۳۹۴) نشان می‌دهد که کودکان خیابانی درک متفاوتی از اقدامات انجام شده برای رفع مشکلات خویش از سوی سازمان‌های رفاهی دارند و عمدتاً این سازمان‌ها را به عنوان محل امنیت و آرامش خویش قلمداد می‌کنند تا تأمین‌کننده آن. طی چند دهه گذشته برنامه‌ها و سیاست‌های زیادی در حوزه کار کودک از سوی نهادهای مختلف اجرایی شده است اما با وجود این تلاش‌ها، شواهد نشانگر آن است که در عمل موفق نبوده‌اند. در این پژوهش تلاش بر آن است تا ضمن سنخ‌شناسی مؤسسات رفاهی در حوزه کار کودک به بررسی کلیت عملکردی آن‌ها در مواجهه با این مسئله پرداخته شود. واقعیت امر این است که برخی از قوانین و رویه‌هایی که در ایران و کلان‌شهر تهران وجود دارد نتوانسته است آن‌چنان که باید به مسئله کودکان کار بپردازد. موازی‌سازی برخی نهادها و نبود قوانین و دستورالعمل‌های شفاف برای مقابله با کار کودکان یا دستورالعمل‌های قانونی و نهادی، از جمله مسائل و مشکلاتی است که مانع از مقابله جدی با این پدیده شده است. با توجه به مطالب فوق سؤال پژوهش این است که کدام سازمان‌ها و نهادها در کار کودکان نقش دارند؟ و با کدام چالش‌ها و مسائل مواجه‌اند؟

## پیشینه تجربی موضوع

حوزه کار کودک در چند سال گذشته مورد توجه محققان بوده است. با این حال در این بخش از مقاله بیشتر به مقالاتی پرداخته‌اند که به نهادها و مؤسسات رفاهی و عملکرد آن‌ها در حوزه کار کودک پرداخته‌اند.

صالحی بیدار (۱۳۹۴) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان «ارزیابی مداخلات شهرداری در حمایت از سازمان‌های مردم‌نهاد فعال در حوزه کودکان کار خیابانی شهر تهران» به ارزیابی مداخلات شهرداری در حمایت از سازمان‌های مردم‌نهاد فعال در حوزه کودکان کار خیابانی شهر تهران پرداخته است. نتایج حاصل از پژوهش حاکی از آن بود که به‌طورکلی در نگاه بیشتر این سازمان‌ها، در شهرداری مطابق قانون با آن‌ها برخورد نمی‌شود و قوانین حتی اگر وجود هم داشته باشند در بیشتر موارد رعایت نمی‌شوند؛ مگر اینکه فردی با دید مثبت و دارای روحیه همکاری، در آن بخش از شهرداری وجود داشته باشد و تمایل به همکاری داشته باشد و نکته دیگر اینکه از نگاه تعداد قابل‌توجهی از آن‌ها نیروی متخصص در شهرداری وجود ندارد یا کمبود آن حس می‌شود و همچنین شهرداری بیشتر تمایل دارد در اجرای طرح‌ها و برنامه‌هایی که خودش تدوین کرده از سمن‌ها مشارکت بخواهد و در تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری آن‌ها را دخالت نمی‌دهد یا اگر مشارکت در قسمت‌های دیگری به غیر از اجرا وجود داشته بسیار ضعیف بوده است و یا به نتیجه نرسیده است. در نهایت اینکه که اکثر سازمان‌ها تا به امروز از شهرداری مکان و زیرساختی دریافت کرده‌اند که می‌توان آن را به‌عنوان یکی از نقاط مثبت عملکرد شهرداری قلمداد کرد، اگرچه تعداد اندکی نیز هنوز موفق به دریافت آن نشده‌اند.

شکوری (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان «بررسی نقش سازمان‌های مردم‌نهاد در توانمندسازی کودکان کار خیابانی، مطالعه موردی، منطقه ۱۲ تهران» به مطالعه نقش این سازمان‌ها در توانمندسازی کودکان کار خیابانی در منطقه ۱۲ شهر تهران پرداخته است. یافته‌ها نشان می‌دهد که اکثر پاسخ‌گویان اقدامات این سازمان‌ها را مهم تلقی کردند. همین‌طور اکثر اظهار داشتند که این اقدامات در توانمندی کودکان مؤثر بوده است که در غیاب آن‌ها وضعیت کودکان به‌مراتب بدتر می‌شده است. با توجه به تحلیل داده‌ها، پژوهشگر نتیجه می‌گیرد که حضور مؤثر و کارآمد سازمان‌های مردم‌نهاد برای تغییر وضعیت کودکان در وضعیت دشوار بخشی از ضرورت‌هاست. با این حال، تأکید می‌کند نحوه صحیح و مناسب خدمات‌رسانی به گروه‌های هدف و داشتن نگاهی دستگامی و جامع به موضوع مهم است. به همین منظور پیشنهاد می‌کند در تدوین و اجرای سیاست‌ها و

## سنخ‌شناسی و آسیب‌شناسی عملکردی مؤسسات رفاهی در حوزه کودکان کار

برنامه‌ها باید خانواده نه صرفاً کودک در وضعیت دشوار محور قرار گیرد. سلیمانی و حاجیانی (۱۳۹۲) در پژوهش خود با عنوان «ارائه مدل مدیریتی مطلوب به‌منظور ساماندهی کودکان کار و خیابان (مطالعه موردی: شهر تهران)» به ارائه مدل مدیریتی مطلوب جهت ساماندهی کودکان کار و خیابان شهر تهران پرداخته‌اند. یافته‌ها نشان می‌دهد که برنامه‌ریزی و نظارت به‌عنوان مهم‌ترین مؤلفه با میانگین رتبه ۲/۶۸ و پس‌از آن واگذاری به سازمان‌های مردم‌نهاد با میانگین رتبه ۲/۵۵ در رتبه دوم قرار دارند که مهم‌ترین مؤلفه‌ها برای مدیریت مطلوب و ساماندهی کودکان کار و خیابان شهر تهران هستند. همچنین بر مبنای یافته‌ها، پیشنهادهایی برای بهبود وضعیت سامان‌دهی کودکان کار و خیابان شهر تهران ارائه‌شده و مدل تقسیم‌کار پیشنهادی بر پایه الگوی جامع مدیریت استراتژیک و رویکرد ماتریسی طراحی‌شده و شامل سه مرحله اصلی سیاست‌گذاری، اجرا و نظارت و کنترل است که مأموریت و وظایف هر یک از سازمان‌ها در هر یک از این مراحل مشخص شده است.

پانگابین<sup>۱</sup> (۲۰۲۰) در مقاله‌ای با عنوان "تحلیل حمایت قانونی از کودکان کار در اندونزی" نشان می‌دهد که بهبود دانش نسبت به قوانین و به‌ویژه میزان مؤثر بودن آن‌ها به‌عنوان مرجعی برای فهم دانش مربوط به قواعد و موانع مربوطه می‌تواند سهم مهمی در پیشگیری از کار کودکان و حتی حمایت از آن‌ها در نظام‌های مختلف اجتماعی و به‌ویژه خانواده داشته باشد.

پارمار<sup>۲</sup> (۲۰۱۹) در مقاله‌ای با عنوان "کار کودکان در هندوستان: علل، تأثیرات و راه‌حل‌ها" به معضل کار کودکان در هندوستان پرداخته است. از نظر نویسنده کودکان کار در هندوستان به علت اشتغال به کار عمدتاً حقوق بنیادین خودشان از جمله حق آموزش را از دست داده و شانس کمی برای دستیابی به یک زندگی مناسب را در آینده دارا هستند. همچنین این پژوهش نشان می‌دهد به‌رغم نبود قوانین شفاف و مشخص در هندوستان، مهم‌ترین عامل رشد و حتی شکل‌گیری کار کودکان در هندوستان را بایستی در مقوله‌های فرهنگی جستجو کرد. بر این اساس هرگونه قانون حمایت از کودکان که زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی مربوط به ورود کودکان به بازار کار را در نظر نگیرد، نمی‌تواند ضمانت اجرایی مناسبی به همراه داشته باشد.

یاسمین و رضا<sup>۳</sup> (۲۰۱۹) در پژوهشی با عنوان "سناریوهای کودکان در بنگلادش:

پیشنهادانی درباره ممنوعیت کار کودکان" به وضعیت کودکان کار در بنگلادش و علل رشد آن در سال‌های اخیر و نیز ارائه راهکارهای قانونی برای پیشگیری از کار کودکان پرداخته‌اند. مطالعات نویسندگان نشان می‌دهد که مهم‌ترین علل مربوط به رشد کودکان کار در بنگلادش فقر، حمایت‌های آموزشی ناکافی، نابرابری جنسی و مسائل مربوط به سلامت بوده است به طوری که مسئله کار کودکان به یکی از مهم‌ترین موضوعاتی تبدیل شده است که بنگلادش با آن مواجه است. بنگلادش بعد از استقلال از مسائل و مشکلاتی مانند افزایش بسیار بالای جمعیت، ناآرامی‌های نظامی، فقر و بحران‌های طبیعی زیادی رنج برده است و مسئله کار کودکان از همان زمان مطرح بوده و تاکنون نیز اراده و راه‌حلی اثربخش برای کاهش آن ارائه نشده است. به‌رحال از مهم‌ترین مشکلات مقابله با کار کودکان در بنگلادش این است که اغلب کودکان در کارهایی فعالیت دارند که خانوادگی است و همین امر امکان شناسایی و مقابله با آن را بسیار دشوار کرده است. از سوی دیگر به علت ضعف در نظام دولتی اراده‌ای برای مقابله با این پدیده دیده نمی‌شود. در نهایت باید گفت که با توجه به پیشینه تجربی موضوع، تاکنون پژوهش داخلی که ناظر به سازمان‌ها و نهادهای درگیر در کار کودکان در ایران و آسیب‌شناسی عملکرد این سازمان‌ها و نهادها باشد یافت نشد.

### مبانی نظری پژوهش

رویکرد نظری پژوهش حاضر در ارتباط با پدیده کودکان کار خیابانی در شهر تهران مبتنی بر رویکرد کارکردگرایی ساختی است. بر اساس این رویکرد، نمود و ازدیاد کودکان کار حاکی از رشد شتابان ابعاد ساختاری جامعه ایران و تغییرات اساسی نهادی در آن است. به‌واقع بر اساس این نگاه نظری، این پدیده، معلول کژ کارکردی‌های نهادی در سطوح خرد و کلان اقتصادی- اجتماعی است. مهاجرت‌های برنامه‌ریزی نشده داخلی و خارجی به‌سوی کلان‌شهرهایی مانند تهران به‌صورت فردی و گروهی، جذب نشدن در بخش اقتصاد رسمی شهری، نابرابری‌های فزاینده در سطوح مختلف و به‌تبع آن افزایش فقر خانوادگی، حاشیه‌نشینی در مناطق فقیرنشین شهر و عدم حمایت‌های نهادی و حقوقی از گروه‌های آسیب‌پذیر، همه و همه از عوامل زمینه‌ساز بروز انواع آسیب‌های اجتماعی شهری از جمله کودکان کار هست.

نظریه‌های کارکردگرایی ساختی اعتقاد دارند انواع جرائم و آسیب‌های اجتماعی معلول کژ کارکردی نهادهای اجتماعی هستند. از جمله مهم‌ترین نظریه‌پردازان این



## سنخ‌شناسی و آسیب‌شناسی عملکردی مؤسسات رفاهی در حوزه کودکان کار

پارادایم می‌توان به دورکیم، پارک، برجس مرتون، کوهن، کلوارد و اوهلین، میلر و اگنیو اشاره کرد. سه شاخه اصلی مستقل که دارای همپوشانی هستند در این رویکرد مطرح‌اند که عبارت‌اند از: بی‌سازمانی اجتماعی، نظریه فشار و نظریه انحراف فرهنگ (Siegel, 196: 2017).

نظریه بی‌سازمانی اجتماعی بر شرایطی در محیط شهری تأکید دارد که بر میزان‌های جرم تأثیر دارد. یک محله بی‌سازمان، محله‌ای است که در آن، نهادهای نظارت اجتماعی از جمله خانواده، سازمان‌های اقتصادی و مدرسه تحلیل رفته‌اند و وظایف لازم و مورد انتظارشان را انجام نمی‌دهند.

نظریه فشار نشان می‌دهد که جرم پیامد تضاد میان اهداف افراد و ابزارهایی است که آن‌ها می‌توانند برای رسیدن به این اهداف به شکل قانونی در اختیار داشته باشند. به دلیل آنکه اعضای طبقه پایین‌تر، توانایی دستیابی به موفقیت از طریق ابزارهای مشروع را ندارند آن‌ها احساس خشم، محرومیت و ناخرسندی می‌کنند که از آن با عنوان فشار یاد می‌شود. آن‌ها می‌توانند هم شهروندانی مسئول نسبت به جامعه باشند و یا می‌توانند ابزارهای جایگزین دستیابی به موفقیت را انتخاب کنند که شامل رفتارهای مجرمانه مانند سرقت، خشونت یا قاچاق مواد مخدر می‌شود.

نظریه کج‌روی فرهنگی: شاخه سوم نظریه ساختار اجتماعی، نظریه فشار و بی‌سامانی اجتماعی را با هم ترکیب می‌کند تا نشان دهد که چگونه افرادی که در محلات زوال یافته زندگی می‌کنند به محرومیت اقتصادی و انزوای اجتماعی واکنش نشان می‌دهند، زیرا سبک زندگی آن‌ها، بی‌مایه، یاس آلود و زجرآور است. اعضای طبقه پایین با مجموعه قواعد و ارزش‌های خود، یک خرده‌فرهنگ مستقل را ایجاد می‌کنند. در محلات طبقه پایین، خرده‌فرهنگ خاص شکل می‌گیرد که مجموعه‌ای از ارزش‌ها و عقاید را به وجود می‌آورد که در تضاد با هنجارهای اجتماعی و متداول است. رفتار مجرمانه به‌جای آنکه غیرمعمول و کج‌روی محسوب شود، یک نمود طبیعی از هم‌نوایی با ارزش‌های خرده‌فرهنگ طبقه پایین است که از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود.

بر اساس نگاه کارکردی- ساختی، کار کودک معلول فشارهای ساختاری در سطوح خرد و کلان، بی‌سازمانی اجتماعی در محلات فقیرنشین و انتقال فرهنگ فقر و طبقه پایین از نسلی به نسل دیگر است. طبق این رویکرد، کودکان کار نمودی از شرایط زیست اقتصادی- اجتماعی- فرهنگی اقشار فقیر و آسیب‌پذیر است. پیدایش مسئله کار کودک

ناشی از اختلال در کارکرد خرده نظام‌های اجتماعی از جمله در حوزه خانواده و اقتصاد است. این رویکرد در بررسی آسیب‌های اجتماعی به شرایطی توجه دارند که منجر به ازهم‌گسیختگی، ضعف و تناقض و ناکارآمدی قواعد، هنجارها و ساخت‌های اجتماعی می‌شوند و عدم تعادل ساختاری و ضعف انسجام اجتماعی را به وجود می‌آورند. این نظریه بر واحدهای تحلیل بزرگ‌تری مانند ساختارها، خرده نظام‌ها، گروه‌ها و یا طبقات اجتماعی متمرکز می‌شود. می‌توان فرض کرد کار کودکان ناشی از الگوی انطباق و سازگاری خانواده‌های محروم و به حاشیه رانده‌شده از فرایند ثروت، قدرت و منزلت در یک نظم اجتماعی نابرابر هست (حسینی، ۱۳۸۴: ۱۵۴-۱۷۷).

مدل مفهومی پژوهش



## روش پژوهش

روش پژوهش مبتنی بر روش تحلیل محتوا است، داده‌های پژوهش از طریق مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته گردآوری شده است. جامعه اصلی پژوهش شامل کلیه مدیران و کارشناسان و صاحب‌نظران دانشگاه است که در بخش‌های دولتی، نیمه‌دولتی و سازمان‌های مردم‌نهاد در ارتباط با کودکان کار مشغول به فعالیت هستند. شیوه نمونه‌گیری هدفمند بوده و تعداد نمونه برابر با ۱۵ نفر می‌باشد. معمولاً به‌جای مفاهیمی مانند روایی و پایایی که در پژوهش‌های کمی مرسوم است از مفاهیمی مانند اتکاپذیری، انتقال‌پذیری، وثوق‌پذیری، باورپذیری و انطباق‌پذیری و تأییدپذیری استفاده می‌شود (ن.ک نیومن، ۱۳۸۹). جهت نیل به این موضوعات اقدامات زیر انجام شده است:

- چندبعدی‌سازی‌ها (مثلث‌بندی داده‌ها) و احصا داده‌ها از سه گروه از صاحب‌نظران در بخش‌های دولتی، نیمه‌دولتی و سازمان‌های مردم‌نهاد
  - ارائه کدگذاری به حداقل دو صاحب‌نظر در این حوزه و تأیید تم‌ها و یافته‌ها از سوی آن‌ها
  - در ضبط و مستندسازی و همچنین نگارش یافته‌ها، نهایت دقت به‌عمل آمده است.
  - سعی بر آن بوده تا مناسب‌ترین روش پژوهش استفاده شود.
- در ابتدا، مصاحبه‌ها پیاده‌سازی و سپس مفاهیم اولیه استخراج شد. درنهایت مقولات اصلی پژوهش که مبتنی بر الف) گونه‌شناسی نهادها و سازمان‌های مرتبط با کار کودک و ب) آسیب‌شناسی عملکردی آن‌ها است، ارائه شده است که در ادامه به آن پرداخته می‌شود.

## یافته‌های پژوهش

### گونه‌شناسی نهادهای متولی و مرتبط با کار کودک

مسئله کار کودک، مسئله‌ای گسترده و پیچیده است که عوامل زیادی بر آن اثر می‌گذارند و یقیناً برای حل آن نیز بخش‌های مختلف سیاستی و اجرایی در جامعه می‌بایست وارد عمل شوند. مهم‌ترین اقدام در تعیین نقش سازمان‌ها در مسئله کار کودک تاکنون، تصویب آیین‌نامه ساماندهی کودکان خیابانی در سال ۱۳۸۴ بوده است که به‌تبع آن یک شورای ساماندهی کودکان خیابانی به‌تولیت سازمان بهزیستی و عضویت ۸ نهاد رسمی دیگر اعم از کمیته امداد امام خمینی (ره)، نیروی انتظامی، سازمان تأمین اجتماعی، سازمان بیمه سلامت، شهرداری تهران، آموزش و پرورش، وزارت دادگستری و مرجع ملی کنوانسیون حقوق کودک، جمعیت هلال‌احمر و صداوسیما جمهوری اسلامی تشکیل شد. با این حال مسئولیت اصلی بر عهده سازمان بهزیستی کشور می‌باشد.

## جدول ۱. گونه شناسی سازمان‌ها و نهادهای اجتماعی مرتبط با کار کودک

جدول گونه‌شناسی نهادهای متولی و مرتبط با کار کودک در ایران		
وابستگی نهادی	نهادهای ارگان‌های زیربند	وظایف و نقش ارگان
دولتی	بهبیستی	مجری اصلی ساماندهی کودکان خیابانی - برنامه‌ریزی، هماهنگی، نظارت، اجرا و ارزیابی برنامه‌های مرتبط با کودکان کار و خیابانی در غالب حمایت و توان‌بخشی، پیشگیری، همکاری با مراکز غیردولتی و طرح‌های مشترک
	وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی	نظارت بر نوع و سن و شرایط کارگران کودک - ارائه تسهیلات اشتغال‌زا به خانواده‌های کودکان کار- حرفه‌آموزی کودکان بالای ۱۵ سال - ارائه خدمات درمانی و بیمه‌ای به کودک و خانواده
	وزارت کشور	ضمانت اجرایی قوانین حقوقی - برقراری امنیت مراکز و روند اجرایی برنامه‌ها - تعیین تکلیف کودکان خیابانی بزهکار - صدور احکام و مجوزهای قضایی در جهت تسهیل ساماندهی کودکان خیابانی - اقدامات مقتضی جهت اجرا، حفظ و ارتقای حقوق کودک
	وزارت بهداشت	تأمین پزشکی و پرستار موردنیاز مراکز اقامتی کودکان خیابانی - ارائه خدمات موردی به مراکز روزانه
	آموزش و پرورش	- آموزش رسمی کودکان - نظارت بر وضعیت سلامت و رفاه کودک به دلیل ارتباط مستمر و روزانه - ارتباط با نهادهای دولتی و سازمان‌های مردم‌نهاد متولی کودکان کار جهت ارجاع و بهبود شرایط کودکان - اجرای پروژه‌های مشترک با نهادهای متولی به منظور کاهش آسیب و بهبود وضعیت کودکان - آگاه‌سازی اولیا و دانش‌آموزان از طریق مشاور مدرسه درباره آسیب‌های اجتماعی کودکان و پیامدها
	هلال احمر	خدمات حمایتی
	کمیته امداد امام خمینی	خدمات حمایتی
	صدوسیما	اقدامات فرهنگی و تبلیغی لازم، تهیه برنامه‌ها و تیزرهای لازم برای آگاه‌سازی اقشار مختلف جامعه
	شهرداری	- مشارکت و همکاری در غالب طرح‌های مشترک با سازمان‌های بخش سوم و نهادهای دولتی - ارائه خدمات اجتماعی ...

## سنخ‌شناسی و آسیب‌شناسی عملکردی مؤسسات رفاهی در حوزه کودکان کار

بخش سوم	سازمان‌های مردم‌نهاد	<p>- ترویج حقوق کودک</p> <p>- شناسایی به‌موقع مسائل و مشکلات به دلیل سطح گسترده ارتباط مستقیم با جامعه و گروه‌های هدف</p> <p>- مطالبه‌گری و نظارت در تدوین سیاست‌ها و قوانین و ضمانت‌های اجرایی</p> <p>- ارائه خدمات رفاهی و پوشش ضعف‌های دولت در رسیدگی به گروه هدف به منظور کاهش آسیب</p> <p>- مشارکت در طرح‌های اجرایی مشترک با بخش عمومی و دولتی</p> <p>- آگاه‌سازی و حساب‌سازی عموم جامعه نسبت به مسئله کار کودک و راهکارهای مواجهه، معرفی خدمات و مراکز قابل ارجاع در صورت مشاهده آسیب‌ها و موارد مقتضی ...</p>
بین‌المللی	یونیسف	<p>نظارت بر اجرای و رعایت مفاد کنوانسیون حقوق کودک</p> <p>- پروژه‌های مشترک با سایر نهادهای متولی در بهبود کمیت و کیفیت رفاه کودکان</p> <p>- توانمندسازی و آموزش نهادهای متولی کار کودک به ویژه سازمان‌های بخش سوم که در سطح گسترده و به صورت مستقیم با کودکان کار و مسائل کار کودک در ارتباط هستند.</p>
	دفاتر کمیسیاریا و ادارات کفالت اتباع خارجی	<p>- نظارت بر وضعیت رفاهی، سلامت، آموزش و ... کودکان مهاجر و پیگیری وضعیت آنان در کشور مقصد</p> <p>- روابط مؤثر با نهادهای متولی کار کودک جهت تسهیل کاهش آسیب‌های کودکان ...</p>
طبیعی	خانواده	<p>رعایت حقوق و اجرای وظایف و مسئولیت‌ها در ارتباط با کودکان</p> <p>- زمینه‌های فرهنگی، اقتصادی، قومی و نژادی</p> <p>- عدم کودک‌آزاری ...</p>
کلیت جامعه	عموم جامعه	<p>رعایت حقوق و اجرای وظایف و مسئولیت‌ها در ارتباط با همه کودکان مثل عدم به‌کارگیری کودکان در فعالیت‌های اقتصادی، عدم دریافت و تقاضای خدمات ارائه‌شده توسط کودکان در غالب فعالیت‌های اقتصادی، حساس بودن به حقوق کودک و ضرورت پیاده‌سازی آن و اطلاع‌رسانی به نهادهای متولی در صورت مشاهده آسیب‌ها و تخلفات و موارد کار و آزار کودک</p>

عالیت این شورا در ۸ سال اول در تعلیق بوده و بین سال‌های ۹۲ تا ۹۴ سه جلسه در این شورا برگزار شده است. در این بخش از پژوهش، نهادهایی که به صورت مستقیم یا غیرمستقیم می‌توانند در حل مسئله کار کودک به‌طور اعم و کار کودک خیابانی نقش داشته باشند، به ۵ بخش نهادهای دولتی، عمومی، بین‌المللی، ساختاری و اجتماعی تفکیک شده‌اند. برخی از نهادها صرفاً به دلیل عضویت در شورای ساماندهی کودکان خیابانی در متن معرفی شده‌اند. همچنین برخی نهادها به صورت مستقیم با مسئله کار کودک مواجه

هستند و برخی دیگر به صورت غیرمستقیم می‌توانند بر حل این مسئله اثرگذار باشند.

### آسیب‌شناسی عملکردی نهادهای مرتبط با کار کودک خیابانی:

به رغم ارتباط متقابل و اتفاقات مثبتی که در مدیریت کار کودک در دو دهه اخیر دیده شده است؛ نقاط ضعف زیادی در حل مسئله کودکان کار و خیابان وجود دارد. هر طرح و برنامه‌ای که اجرا می‌شود دارای نقاط قوت و ضعف متعددی می‌باشد. نقاط ضعف اغلب به بروز شکاف ختم می‌شود. شکاف‌ها نیز موجب بروز آسیب شده و مانع از انجام صحیح برنامه‌ها و طرح‌ها می‌شوند. آسیب‌های موجود در عدم همکاری و تعاون بین نهادهای دولتی و غیردولتی مربوط از جمله شهرداری تهران در زمینه کنترل و ساماندهی کودک کار خیابانی به شرح زیر است:

۱. نبود و کمبود همکاری وزارت خانه‌ها و ارگان‌ها با استناد به آیین‌نامه مرجع ملی کنوانسیون حقوق کودک مورخ ۹۰/۱۰/۱۴ مصوب وزارت دادگستری؛  
۱۶ وزارتخانه و سازمان باهم در خصوص ساماندهی و بهبود وضعیت کار کودک و خیابان همکاری می‌کنند. این سازمان‌ها شامل: وزارت آموزش و پرورش، وزارت تعاون کار و رفاه اجتماعی، وزارت بهداشت؛ وزارت علوم، وزارت امور خارجه؛ وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، وزارت کشور، وزارت اطلاعات، وزارت ورزش و جوانان، معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس‌جمهور؛ سازمان صداوسیما، سازمان بهزیستی، مرکز امور زنان و خانواده، نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران، سازمان زندان‌ها است. بعلاوه شهرداری باید با هم در خصوص برنامه‌های کودکان کار و خیابان همکاری داشته باشند؛ اما از این میان تنها وزارت دادگستری، سازمان بهزیستی، شهرداری و نیروی انتظامی همکاری چندجانبه و مداوم دارند.

مدارس صبح رویش و آموزش در سمن‌ها و مدارسی که خیرین برای کودکان کار راه اندازی کردند همه و همه نیازمند همکاری سازمان آموزش پرورش است. امسال آموزش پرورش ۸۰۰ دانش آموز کودک کار را به خاطر اینکه کمک به مدرسه را نمی‌توانستند بپردازند و به دلایل دیگر ثبت نام نکردند و کودکان مجدداً روانه خیابان‌ها شدند. بی‌کارکردی سازمانی برای این افراد می‌تواند تبدیل به کژکارکرد بشود. خانم‌ها پ و ش مدیران مدارس

## سنخ‌شناسی و آسیب‌شناسی عملکردی مؤسسات رفاهی در حوزه کودکان کار

به عنوان مثال وزارت آموزش و پرورش تاکنون مانع از ادامه تحصیل تعداد زیادی کودک خیابانی در سال ۱۳۹۸ شد و از ثبت‌نام آن‌ها در مدارس عادی خودداری کرد؛ و این امر به‌تنهایی موجب سرازیر شدن این افراد به خیابان‌ها و ایجاد آسیب اجتماعی بیشتر شده است

به جز ارتباط تنگاتنگی که بین شهرداری، بهزیستی، وزارت دادگستری و نیروی انتظامی وجود دارد، تقریباً هیچ کدام از وزارتخانه‌هایی که باید خدمات اجرایی به کودکان کار بدهند تا کنون پای کار نبوده‌اند. به خصوص نیاز مبرم به کمک وزارت آموزش پرورش، وزارت بهداشت، وزارت کار و وزارت کشور وجود دارد؛ اما هیچ یک از این سازمان‌ها مایل به همکاری نیستند و ما برای بحث‌های آموزشی، پزشکی، روانشناسی و مهارتی اغلب از نیروهای داوطلب و یا نیروهایی با درآمد بسیار کم از مؤسسه استفاده می‌کنیم. خانم ص مدیر بهزیستی

۲. کمبود و نبود زیرساخت‌های قابل‌واگذاری در شهرداری: تعداد زیرساخت‌های موجود شهرداری که به سازمان‌های مردم‌نهاد بهزیستی واگذار می‌شود کم و به سختی معاونت‌های اجتماعی و فرهنگی مناطق مختلف، با موضوع کودکان خیابانی مدارا می‌کنند. حتی معاونت‌های املاک؛ توسعه شهری و شهرداران مناطق متعدد تهران برای رفع و نیازهای سازمان خدمات اجتماعی باید همکاری کنند اما این امر به سختی در برنامه‌های معاونت‌ها و سازمان‌های شهرداری موردتوجه واقع می‌شود.

با وجود نگاه اجتماعی که در سال‌های اخیر تقویت شده؛ هنوز خلاهای زیادی برای شهرداری وجود دارد که بهترین آنها عدم علاقه معاونت‌های اجتماعی برای کمک به حل مساله کودکان خیابانی است. خیلی از مواقع شهرداران که بازدید میدانی دارند؛ معاونت‌های اجتماعی و فرهنگی در طرح‌های فوری اقدام به جمع‌آوری کودکان خیابان می‌کنند؛ و برای چند روز تعدادی از آنها از صحنه حذف می‌شوند؛ به مراکز نگهداری بهزیستی سپرده می‌شوند و پس از چند روز خانواده‌ها فرزندان خود را تحویل می‌گیرند؛ و در نهایت پس از یکی دو هفته مجدداً به خیابان باز می‌گردند. خانم ش مدیر شهرداری

## ۱. اثرات منفی طرح جمع‌آوری:

طرح‌های جمع‌آوری خود یکی از مهم‌ترین نقاط ضعف برای اجرای طرح‌های ساماندهی است. این طرح‌ها، سازمان‌ها و جامعه هدف و برنامه‌های جاری را دچار شوک و تزلزل می‌کنند. ترس و وا همه و وحشت زیادی متوجه کودکان کار و خیابان شده و دچار بی‌اعتمادی مفرط به دستگاه می‌شوند. در نتیجه، این امر روی اعتماد آن‌ها به سازمان‌های مردم‌نهاد و بهزیستی کمتر شده و نیات مثبت و انسان‌دوستانه آن‌ها زیر سؤال می‌رود و در نهایت مجدداً تعداد زیادی کودک کار که بخشی از زمان خود را در مؤسسات و مراکز آموزشی صرف می‌کردند، به این مراکز مراجعه نمی‌کنند و یا اعتماد نمی‌کنند. در حقیقت کودکان کار و خیابان چیزی برای از دست دادن ندارند، تمام دارایی آن‌ها زمان‌هایی است که در خیابان برای کار می‌گذرانند.

ضمناً نتایج طرح‌های جمع‌آوری تاکنون هیچ نبوده است. فقط کودکان کار در این طرح‌ها برای مدت کوتاهی وارد چرخه بهزیستی و مراکز نگهداری می‌شوند. کودکانی که دارای خانواده هستند به خانواده بازمی‌گردند، کودکانی که فاقد کارت هویتی و فاقد خانواده هستند، به مراکز نگهداری اتباع غیرقانونی مانند مرکز عسگر آباد منتقل می‌شوند و بسیاری از آن‌ها در این فرایند از دست مأموران و مراکز نگهداری می‌گریزند، برخی از افراد که در خانواده اقوام نگهداری می‌شوند با گرفتن تعهد، میان آن‌ها بازمی‌گردند. در این میان تنها چیزی که عاید دولت و شورای عالی اجتماعی شهر می‌شود؛ ادعای جمع‌آوری و پاک‌سازی کودکان کار از سطح خیابان است.

طرح‌های جمع‌آوری طرح‌های بی نتیجه و بی فایده بوده و هستند. تا کنون ۳۲ طرح جمع‌آوری در سطح تهران انجام شده است. برنامه شورای عالی اجتماعی کشور برای ساماندهی این کودکان پس از جمع‌آوری مشخص نیست، کسانی که پدر و مادر دارند، به خانواده بازمی‌گردند و مجدد به خیابان، کسانی که خانواده ندارند پس از ۳ دوره ۲۱ روزه یا در مراکز نگهداری بهزیستی (یاسر و بعثت) نگهداری میشوند و برخی که کارت هویتی ندارند و اتباع غیر ایرانی هستند تا زمان ۱۸ سالگی باید به مراکز نگهداری مانند عسگر آباد انتقال داده شوند چون ردمرز تا ۱۸ سالگی در ایران ممنوع است. خانم

پ مدیر سمن



## ۲. وجود طرح‌های پایلوت بی‌فرجام:

تعداد زیادی طرح پایلوت توسط سازمان بهزیستی و شهرداری اجرا می‌شود که تقریباً اغلب آن‌ها امکان اجرایی شدن ندارند و یا نتایج آن‌ها مورد استفاده قرار نمی‌گیرد. این طرح‌های پایلوت بدون انجام نیازسنجی انجام می‌شود. وجود طرح‌های پایلوت در مقیاس کوچک می‌تواند راهگشا باشد؛ اما به نظر می‌رسد بی‌دقتی بهزیستی و مقابله با سمن‌ها در بهزیستی امری است که نتیجه عکس بر مددجویان این مراکز دارد. به رغم اینکه سمن‌ها در جذب و پیگیری کودکان کار و خیابان بسیار موفق عمل کرده‌اند، اما در بسیاری موارد عدم استفاده از تجارب این مراکز در سازمان بهزیستی موجب برنامه‌ریزی‌ها و انجام اعمالی بی‌نتیجه برای کودکان کار و خیابان شده است.

مراکز بهزیستی پذیرای طرح‌های متنوعی است. بسیاری از آنها را به صورت پایلوت اجرا می‌کند و در نتیجه برخی از سمن‌ها موظف به اجرای پایلوت برخی طرح‌ها می‌شوند و گویا به نتیجه هیچ یک از طرح‌ها اعتماد نمی‌شود. این طرح‌ها هم هزینه و هم زمان زیادی از ما می‌گیرد و نتیجه بر این می‌شود که نمی‌توانیم به برنامه‌های اصلی خود برسیم. خانم پ

## ۳. کمبود و نبود تجهیزات کافی برای مراکز پرتو و نبود بودجه مکفی و

مناسب برای راه‌اندازی و ساماندهی کودکان کار و خیابان:

مراکز پرتو بعد از سال ۹۳ در تهران توسط شهرداری در اختیار سمن‌ها قرار گرفت. این طرح بسیار موفق بوده و تاکنون حدود ۵۰۰۰ مددجو تحت این مراکز در حال توانمندسازی فردی و جمعی هستند. این مقیاس البته با مقیاس بهزیستی قابل قیاس نیست اما جهش سریع این مراکز نشانگر موفقیت آن‌هاست. تعداد این مراکز امروزه به ۲۴ مرکز رسیده که با همکاری سازمان‌های مردم‌نهاد در حال فعالیت هستند؛ اما کم بودن این مراکز هنوز بسیار محسوس و نیاز شهر تهران به این مراکز فوق‌العاده است.

عملکرد شهرداری تهران در خصوص مراکز پرتو فوق‌العاده بود؛ اما هنوز کمبود فضا و تجهیزات و در کل بودجه برای راه‌اندازی و واگذاری این مراکز به سمن‌ها به طور شدیدی در تهران دچار خلاء است. معاونت‌های اجتماعی برای راه‌اندازی این مراکز مقاومت می‌کنند. این امر نیازمند همیت سازمانی در همه مناطق تهران است. خانم ش مدیر سمن

۴. مواجهه با کودکان کار و خیابان به واسطه قوه قهریه و عدم احساس امنیت نسبت به کودکان

برخورد سازمان بهزیستی برای حل مسئله کودکان در طرح جمع‌آوری و طرح‌هایی که ناشی از شکایات مردمی است، ناشی از قوه قهریه و برخورد شدید دارد. نگاه انسانی به کودکان کار و خیابان و عدم آسیب و آزار و اذیت آن‌ها از طرف مأموران شهرداری و بهزیستی و نیروی انتظامی در اینجا موجب جذب آن‌ها به سمن‌ها می‌شود.

۵. ورود شورای شهر تهران به موضوع واگذاری فضاها و زیرساخت‌های شهرداری تهران و عدم توجه به اورژانسی بودن وضعیت کودکان کار و خیابان و در نتیجه سلیقه‌ای شدن انتخاب سازمان مردم نهاد موجب تأخیر در راه‌اندازی و پیشبرد برنامه‌های مراکز پرتو شده است.

دخالت شورای شهر در موضوع سمن‌ها موجب تأخیر در انتخاب سمن‌ها و سلیقه‌ای شدن این انتخاب به صلاحدید شورای شهر شده است. لایحه مصوبه شورای شهر می‌تواند با تصمیمات و تبصره‌های مناسبتری اجرا گردد. خانم ش مدیر سمن

طی تصویب یک لایحه قانونی در شورای شهر تهران، واگذاری و فراخوان برای مراکز پرتو باید به تأیید شورای شهر رسیده و یک نفر ناظر در این امر از طرف شورا باید در همه مراحل حضور داشته باشد. این لایحه موجب لاک‌پشتی شدن تصمیمات در واگذاری و راه‌اندازی مراکز پرتو شده و در نتیجه تأخیرات طولانی، کودک کار که نمی‌تواند منتظر تأیید شورا بماند جذب امور و کارهای نادرست و سخت و گاهی رفتارهای مجرمانه می‌شود.

۶. نبود همکاری مستمر و مبادله اطلاعات بین واحدهای متعدد شهرداری با مراکز فوق:

به استثناء سازمان خدمات اجتماعی و مدیریت پیشگیری در شهر تهران، مابقی گروه‌های شهرداری که قاعدتاً باید در قالب شرح خدمات خود قوی جلوه کنند، بسیار محو و کم‌رنگ‌اند و در نتیجه حتی بسیاری اوقات، معاونت اجتماعی مناطق مختلف در زمینه کودکان کار و خیابان؛ عملکرد منفعل دارند تا فعال. به این ترتیب همکاری درون سازمانی در این زمینه دچار ضعف جدی است.

حتی شهرداری و بهزیستی هم نگاه پیمانکاری به سمن‌ها دارند. سمن‌ها گروه‌های تمام عیار و کامل نیستند چون منابع مالی ندارند و وقتی با واحدهای مختلف شهرداری و یا بهزیستی وارد گفتگو می‌شویم؛ سمن‌ها را در مرکز منابع مالی و دارایی‌ها می‌دانند. در حقیقت ما احتیاج داریم به اینکه شهرداری مناطق مختلف و بهزیستی بتوانند نگاه غیرپیمانکار و انسان دوستانه ما را درک کنند و در این زمینه کمک بدهند.

خانم ع مدیر سمن

۷. ضعف جدی در فرایندهای حمایتی و فرایندهای پشتیبانی از برنامه‌ها به عنوان مثال، بازارچه‌ها و غرفه‌های خوداشتغالی دائمی و فصلی در اختیار این افراد قرار ندارد. افراد پس از توانمندسازی و دستیابی به تولیدات خانگی کوچک؛ امکان ارائه و فروش محصولاتشان را ندارند. شرایط بازاریابی نیز برایشان وجود ندارد.

تلاش‌های ما در توانمند سازی فردی و جمعی و خانوادگی کودکان کار و خیابان تا کنون مثبت و نتیجه بخش بوده است و بسیاری از مادران و پدران یادگرفته‌اند تا چگونه با تولیدات خانگی و کوچک کسب در آمد کنند؛ اما نبود بازارچه و فضاهایی که بتوانند این محصولات را عرضه کنند موجب بروز کارهای خیابانی دیگر شده است. در نتیجه نیاز مهمی به ایجاد بازارچه های مشاغل خانگی کودکان کار دیده می‌شود. خانم ص کارشناس شهرداری

۱۰. سختی و مشکلاتی در نگهداری کودکان کار و خیابان از ۱۵ تا ۱۸ سالگی مشکلات و نبود برنامه‌ریزی برای کودکان کار و خیابان در این دوره بشدت مسئله آفرین است. با وجود آغاز آموزش مراکز محدود حرفه‌ای به نوجوانان و آماده سازی آن‌ها برای ورود به بازار کار، هنوز تعداد زیادی از کودکان کار هستند که در مرحله نوجوانی دچار مسائلی مانند بی‌برنامگی و عدم داشتن مهارت کافی برای ورود به بازار کار و اشتغال پایدار خواهند بود.

نبود برنامه های دقیق و تجربه محور و نبود منابع مالی پایدار. این امر موجب شده است که برخی از برنامه ها و مداخلات سازمان های مردم نهاد با قطع شدن منابع مالی، قطع شده و یا نیمه کاره رها شوند. آقای م. انجمن حمایت از کار کودک

۱۱. نبود یک مرجع ملی، تشکیلات سازمانی و برنامه درست برای مدیریت و ساماندهی.

طبق آیین‌نامه مرجع ملی کنوانسیون حقوق کودک در جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۳۹۰؛ وزارت دادگستری به عنوان مرجع ملی کنوانسیون حقوق کودک در ایران است؛ اما مرجع ملی و تشکیلات سازمانی دولتی که مشخصاً امر حل آسیب و رفع مشکلات کودکان کار و خیابان را در اختیار داشته باشد و پای این کار بایستد وجود ندارد. بهزیستی در این میان علاوه بر حل معضلات کودکان؛ وظایف متعددی دارد؛ اما از آنجاکه در جامعه ایرانی، تعداد مهاجرین افغان و پاکستان زیاد و مرزهای ورود قاچاقی به ایران باز است؛ نیاز به ایجاد و تشکیل یک مرجع ملی دیده می‌شود.

۱۲. نداشتن کارت هویتی برای کودکان کار و خیابان به ویژه افغانه و اتباع متفرقه از دیگر کشورها ندادن کارت های هویتی به این افراد و عدم همکاری سازمان ثبت احوال؛ نبود قوانین عملیاتی نسبت به کارت هویتی این افراد و یا تنظیم حضور آنها در جامعه موجب بروز شکاف ها و مسایل زیادی شده است.

۱۳. ورود روزانه تعداد زیادی اتباع افغانه و پاکستانی از مرزهای شرق کشور و در نتیجه مهارناپذیر شدن وضعیت زندگی کودکان کار و خیابان: باز بودن مرزهای شرقی کشور موجب ورود بی‌رویه روزانه تعداد زیادی از کودکان و نوجوانان افغان به ایران است. آن‌ها بدون داشتن مدارک و کارت هویتی و بدون داشتن خانواده و یا برنامه مشخص صرفاً برای کسب درآمد (به ویژه کسب درآمد در زباله گردی) وارد ایران می‌شوند. مشاغل سخت و زیان‌آور برای این افراد نه‌چندان سخت و نه چنان زیان‌آور به نظر نمی‌رسند و برای ماندن در ایران تن به هر نوع شرایط زندگی می‌دهند تا بتوانند به کسب درآمد کنند. هرچند استخدام قطعی اتباع افغانی بدون کارت‌های هویتی در سامانه‌های تفکیک خشک و تر و جمع‌آوری زباله ممنوع است اما جریانات غیررسمی جمع‌آوری زباله در تهران فوق‌العاده قوی بوده و موجب بروز مسائل زیادی هستند.

۱۴. عدم شمولیت اشکال کار کودک از جمله زباله گردی؛

کودکان کار خیابانی از نوع زباله گرد به‌طورکلی دارای شرایط متمایزی هستند. برای آموزش و بازیابی این گروه می‌توان از دیگر روش‌ها استفاده کرد. زباله‌گردهای کودک

## سنخ‌شناسی و آسیب‌شناسی عملکردی مؤسسات رفاهی در حوزه کودکان کار |

افرادی هستند که در مراکز تفکیک زباله و مراکز غیررسمی مشغول به کارند. از آنجا که اغلبشان کارت هویتی ندارند، مدیریت آن‌ها کاری سخت و اقناع آن‌ها برای بهبود روش‌های زندگی سخت است. همچنین مراکز به صورت مخفی و آشکار از این نیروها استفاده کرده و این امر موجب ایجاد مکانی امن برای کودکان می‌گردد.

۱۵. عدم همکاری سازمانی؛ به ویژه سازمان‌هایی که می‌توانند موجب توانمندسازی و حرفه‌آموزی شوند.

تاکنون سمن‌های معدودی با مراکز فنی و حرفه‌ای برای آموزش و توانمندسازی فنی و حرفه‌آموزی به نوجوانان کار وارد عمل شده است. درحالی‌که طول دوره کودکی کوتاه و زمان نوجوانی در حال شروع است؛ بنابراین از مهم‌ترین آسیب‌ها نبود همکاری سازمان‌ها و ارگان‌های فنی برای آموزش این گروه‌ها نسبت به دستیابی به اشتغال پایدار است. درنهایت بایستی گفت ارگان‌ها و سازمان‌های متعددی طبق قوانین مشخص کار کودک؛ موظف به فعالیت و همکاری با یکدیگرند؛ اما در عمل سازمان‌های زیادی مانند وزارت بهداشت و وزارت آموزش پرورش تنها در حد پایبندی به قوانین و حضور در جلسات رسمی فعالیت داشته و پای عمل نیامده‌اند. درحالی‌که سازمان‌های مردم‌نهاد و شهرداری در کنار سازمان بهزیستی توانسته‌اند ارتباطات قوی و تنگاتنگی ایجاد کنند.

## نتیجه‌گیری و پیشنهادها سیاستی

پژوهش حاضر به سنخ‌شناسی و آسیب‌شناسی عملکردی سازمان‌ها و نهادی درگیری با یکی از آسیب‌های اجتماعی در سطح شهر تهران یعنی کار کودک در خیابان پرداخته است. کودکان آینده‌سازان هر جامعه‌ای هستند بنابراین از نگاه حق محوری بایستی با کاستن از عوامل پرخطر و افزایش عوامل محافظتی زمینه رشد آن‌ها را فراهم کرد. کار کودک در اشکال ناسالم و بهره‌کشانه می‌تواند زمینه‌ساز بروز انواع ناهنجاری‌ها و آسیب‌های اجتماعی در بین کودکان کار خیابانی باشد.

در نگاه اول رویکرد حق محوری برای فعالیت‌های مرتبط با مدیریت و سامانه‌ای کار کودک باید حاکم باشد، بدین معنا که کار کودک در همه اشکال آن ناپسند نیست و چه‌بسا برای رشد کودک نیز ضرورت داشته باشد. مطالعه اسناد بین‌المللی نشان می‌دهد که دو مفهوم کارگری (بهره‌کشی از) کودک و کار کودک دارای تفاوت زیادی هستند. اولی امری نکوهیده و مضر برای سلامت و آینده کودک است و دومی مکمل آموزش‌ها و عامل مهمی برای رشد و تعالی کودک است. نتایج این پژوهش تأییدکننده و حامی کار کودک با رعایت

جوانب امر است و با بهره‌کشی و کارگری کودک که سلامت جسمی، روانی و اجتماعی او را با مخاطره مواجهه می‌سازد مخالف است.

با توجه به مباحث نظری که پیش‌تر بدان اشاره شد، کار کودک معلول کژکاری نهادهای اجتماعی از جمله خانواده و اقتصاد است به‌گونه‌ای که در نگاه نخست کودکان کار و خیابان معلول فقر خانواده‌ها هستند و هرگونه مداخله روانی، اجتماعی و اقتصادی در وهله نخست باید در جهت توانمندسازی و مبارزه با فقر خانواده‌های آنان باشد. مسلماً مداخلات کارآمد با بهره‌گیری از دانش در علوم مختلف مانند روانشناسی، رفاه اجتماعی، اقتصاد، مددکاری اجتماعی، جامعه‌شناسی و... میسر می‌شود.

با وجود تلاش‌های زیاد و درگیری حدود ۲۰ سازمان و نهاد دولتی و غیردولتی متأسفانه شاهد افزایش کودکان کار خیابانی در کلان‌شهرهای کشور هستیم. از این منظر کودکان در هر جامعه‌ای دارای حق‌اند و عاملی نباید حقوق آن‌ها را با چالش مواجه کند. از سوی دیگری تعاملات مناسب بین نهادی می‌تواند زمینه‌ساز حمایت‌های روانی-اجتماعی برای آنان به منظور کاهش آسیب بین آنان باشد. مسلماً کار کودک خیابانی را مانند سایر آسیب‌های اجتماعی نمی‌توان کاملاً حذف کرد بلکه بایستی حقوق حداقل کودکان را در یک شهر بایستی به رسمیت شناخت و از طریق بهره‌گیری از حمایت‌های اجتماعی و نهادی برای رشد آن‌ها تلاش کرد. بر این ساس می‌توان پیشنهادهای سیاستی زیر را با توجه ارزیابی عملکردی سازمان‌ها و نهادهای که در ساماندهی کار کودک نقش دارند پیشنهاد کرد:

ضمانت اجرایی منع کار کودکان از طریق جرم‌انگاری و برخورد قانونی با کارفرمایان خرد که کودکان را در کارگاه‌ها، بازارها و مغازه‌ها و... به کار می‌گیرند؛

۱. پیگیری نهادهای رسمی مانند بهزیستی از زمان شناسایی کودک کار و اجبار قانونی برای خانواده جهت فرستادن کودک به مدرسه، شرکت کودک در کلاس‌های آموزشی و پرورشی، شرکت والدین در کلاس‌های فرزندپروری، توانمندسازی و... پیش از تهدید به دیپورت و اخراج و... به صورت جدی از طریق تدوین پروتکل و نیز ضمانت اجرایی بالا؛

۲. اصلاح سیستم‌های جذب پناهنده به ایران و تغییر قوانین هویتی و ارائه کارت هویتی یا کارت تردد و عبور و مرور در شهر؛

۳. ایجاد یک تشکیلات نهادی و سازمانی مستقل و کارآمد برای مدیریت کودکان کار و خیابان؛

۴. هم‌نوا سازی ارگان‌ها و سازمان‌های موظف در کنوانسیون‌ها و دستورالعمل‌های قانونی کشور

## سنخ‌شناسی و آسیب‌شناسی عملکردی مؤسسات رفاهی در حوزه کودکان کار

- در ارائه خدمات، ساماندهی و کاهش پدیده کودک کار؛
۵. استفاده از ظرفیت‌های وزارت بهداشت و وزارت آموزش و پرورش جهت تأمین مهم‌ترین و اساسی‌ترین نیازهای کودکان کار و خیابان؛
  ۶. استفاده از ظرفیت سمن‌ها و مراکز علمی در بخش آموزش و تحصیل؛
  ۷. هدایت کودکان کار از طرف سازمان بهزیستی به سمن‌ها و ارائه برخی فضاها و حمایت‌های ارگانی به این مراکز؛
  ۸. ایجاد مراکز هدایت شغلی و ارتقاء مهارت‌های اجتماعی برای کودکان و نوجوانان و ایجاد فرهنگ کار کودکان در جامعه؛
  ۹. ایجاد زیرساخت‌هایی مانند مراکز سلامت، مراکز آموزش و مشاوره خانه و خانواده، مراکز کارآفرینی و بازارچه‌های دائمی؛
  ۱۰. استفاده از ظرفیت‌های دانشگاهی جهت همکاری و بهبود شرایط مددجویان به ویژه رشته‌هایی مانند مددکاری اجتماعی، روانشناسی، علوم تربیتی و...؛
  ۱۱. ایجاد مراکز خدمات و سازمان‌های مردم نهاد و خیریه‌های قوی برای ساماندهی و کنترل کودکان کار در مراکز آموزشی.

## منابع و مأخذ

- سلیمانی، مهدیه و حاجیانی، ابراهیم (۱۳۹۲). ارائه مدل مدیریتی مطلوب به منظور ساماندهی کودکان کار و خیابان (مطالعه موردی: شهر تهران). مدیریت فرهنگی، ۷(۲۲)، ۵۳-۶۹.
- حسینی، سید حسن (۱۳۸۴). وضعیت کودکان کار و خیابان در ایران، فصلنامه رفاه اجتماعی، شماره ۱۹، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.
- شالچی، وحید و میرزابابایی، سیما (۱۳۹۴). تجربه کودکان خیابانی شهر تهران از مداخلات سازمان‌های رفاهی. برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، ۶(۲۵)، ۱۹۳-۲۲۶. Doi: 10.22054/qjsd.2016.3857
- شکوری علی (۱۳۹۳). بررسی نقش سازمان‌های مردم نهاد در توانمندسازی کودکان کار خیابانی. مطالعات توسعه اجتماعی - فرهنگی، ۳(۳)، ۳۳-۶۰.
- صالحی بیدار، محیا (۱۳۹۴). ارزیابی مداخلات شهرداری در حمایت از سازمان‌های مردم‌نهاد فعال در حوزه کودکان کار خیابانی شهر تهران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبایی.
- نیومن، ویلیام لاورنس (۱۳۸۹). شیوه‌های پژوهش اجتماعی: رویکردهای کیفی و کمی، ترجمه حسن دانایی‌فرد و سید حسین کاظمی، جلد دوم، تهران: کتاب مهربان.

- International labour organization (2017). Global estimates of child labour Results and trends. 2012-2016
- Panggabean, H. (2020). Legal Protection analysis through Children's Labor in Indonesia. International Journal of English, Literature and Social Sciences (IJELS) Vol-5, Issue-1:107-110. DOI:10.15294/lrrq.v8i1.53759
- Parmar, A.K. (2019). Child labor in India - An overview, causes, effects and solutions!. journal of the Gujarat research Society, Vol. 21 No. 14:1331 – 1347.
- Siegel, L. (2017). Criminology: Theories, Patterns and Typologies. Cengage Learning.
- Thomas De Benitez, S. (2011). State of the World's Street Children: Research. Consortium for Street Children. London.
- Yasmin, N., Reza, M., Hossain, M. & Kalimuthu, k.r. (2019). Child Labor Scenario of Bangladesh: Some Recommendations About to Ban the Child Labor, e-ISSN: 2682-7662, Volume 1, Issue 3, Pages 277-287.